

# ایران

**حضرت محمد(ص):**

از نفرین مظلوم بهریز، زیرا وی به دعا، حق خویش را از خدا می‌خواهد و خدا حق را از حق‌دار دریغ نمی‌دارد.

سخن‌روز

کذالعمال، ج ۳، ص ۵۰۷، ج ۷۶۵

### نگاره

## ضرورت پیوست محیط زیستی برای پروژه‌های عمرانی



### فضای مجازی

**«باهتوهم» یعنی رسوایشان کنید نه اینکه تهمت بزنید**
اکانت منتسب به آیت‌الله مصباح یزدی نوشت: بعضی از افراد می‌گفتند نه تنها غیبت کردن، بلکه حتی تهمت‌زدن جایز یا واجب است و به این «فاتهومه علی دینکم» استناد می‌کنند؛ در صورتی که این فاتهومه ربطی به تهمت ندارد! این یعنی حسن ظن نداشته باشید؛ اعتماد نکنید. خیال می‌کنند که یعنی تهمت به او بزنید! «باهتوهم» یعنی رسوایشان کنید.

آهنگساز، مدرس موسیقی و نوازنده



نسازه یعنی تو اصیلی رفیق من.»

میلاد درخشانی آهنگساز و نوازنده ایرانی اجرای قطعه جدید خود با عنوان «خنده کنیم ما» را با مخاطبان خود به اشتراک گذاشته و آن را به همه کودکان ایران تقدیم کرده است. نوازندگی تار و آهنگسازی این کار برعهده میلاد درخشانی است.



معجزه پیامبر اکرم (ص) ورای معجزات دیگر پیامبران، معجزه‌ای است از جنس کلام و کلمه که در گذر ایام همچنان می‌تابد و راه را به سرگشتگان عالم می‌نمایاند. خوانش اثری که از رهگذار کلمات به دنبال بازتاب چنین شخصیتی است، فرصتی است کم‌نظیر برای شناخت اشرف مخلوقات.



#### «حمزه خوشبخت» برای کودکان

عبدالحکیم بهار مروج کتابخوانی در صفحه اینستاگرامش با انتشار تصویری از حضور کودکان در کتابخانه روستایی رمین آورده است: «وقتی بچه‌های «رمین» بی‌تابی می‌کردند برای شنیدن قصه، سخت باورشان می‌شد قرار است این بار قصه‌گوی نام‌آشنای کودکان ایران «حمزه خوشبخت» برایشان قصه بگوید و شادشان کند…»

وجه تسمیه روستای خوشینان، خوش‌نان است که به معنای میهمان نوازی است اما نکته‌ای که باعث تعجب است، اینکه چندین سال است مردم این روستا با لک‌لک‌هایی که در روستا لاته درست کرده‌اند، بسیار خوب و مهربانانه زندگی می‌کنند و هیچ‌گونه آسیبی به آنها نرسانده و همین امر باعث متمایز شدن این روستا از روستاهای دیگر است.

لک‌لک‌ها معمولاً روی درخت‌ها و صخره‌ها یا بالای ساختمان‌های بلند لانه می‌سازند و در این روستا نیز تیر برقی‌هایی فقط برای ساخت لانه لک‌لک‌ها قرار گرفته است.

فرهنگ و هنرگویا هم آن را روانه کتابفروشی‌ها کرده است. مؤدبان در این مجموعه سراغ اهالی تئاتر از نقاط مختلف جهان و همچنین کشور خودمان رفته، با توجه به اطلاعات جامعی که در خلال تألیف هریک از مجلد‌های این مجموعه در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته، اهالی تئاتر و آثباتی که در این عرصه مشغول فعالیت و تحقیق هستند می‌توانند از این کتاب‌ها بهره ببرند.

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
- سردبیر:** حسام‌الدین برومند
- معاون فنی:** محمدملعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عبوسی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی)
- مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی)

- زرین رستمی‌وند(اجتماعی) « بنفشه غلامی(جهان)
- لیدا فخری(اندیشه) « محمدرضا عزیزی(گزارش)
- زهرآ کشوری(زیست‌بوم) « فرناز قلعه‌دار(حوادث)
- مهدی کلهرنژاد(اجرایی)
- حجت حکیمی(صفحه‌آرایی)
- محسن جانی‌پور (ویراستاری)
- ابوالفضل نسایی(عکس)

### نقل قول



**تیم برتون** کارگردان و نویسنده

آهنگساز، مدرس موسیقی و نوازنده

بخشی از ترجمه گفته‌های این کارگردان سرشناس با مهر

### یادداشت



**محسن نفر** آهنگساز، مدرس موسیقی و نوازنده

### موسیقی به مثابه رسانه (۱)

هنر، مهم‌ترین وجهش، رسانه بودنش است. رسانه بودنش از چه منظر؟ از منظر پیام و رساندن آن! هر چیز که حاوی پیام و دلالتی است، رسانه است. ارسال آن، خود مرحله پسین است که حکایت مستوفایی است! در حال حاضر، رسانه بیشتر به معنای مرحله انتقال و ارسال مطرح است و محتوا، جداگانه محل توجه است. رسانه‌های تصویری (سینما، تلویزیون، اینترنت و شبکه‌های مجازی و …)، رسانه‌های صوتی (رادیو، تلفن، موبایل و…)، رسانه‌های مکتوب (نشریات، مجلات، روزنامه‌ها و…)، کتاب و… از میان موارد فوق شاید بتوان مکتوبات را به عنوان رسانه‌هایی فرض کرد که محتوا و انتقال، یکجا، فراهم و آماده است! اما رسانه‌های صوتی و تصویری، اگرچه قائم به محتوا هستند، خود راه و رسمی جدا و مستقل از محتوا هم دارند؛ به‌طوری‌که به‌صورت رشته‌های تخصصی و تحصیلی، محل عنایت و التفاتند. در میان رسانه‌های تصویری، باز کارکرد تلویزیون با سینما و فیلم، متفاوت است. اگرچه بر سر صورت، با هم مشترکند. اما هریک راه و رسم خود را دارند. سینما، رسانه‌ای است که متکی به فیلم است و فیلم اعم از مستند، نمایش یا تلفیقی از آنها است و همواره موضوع محور است. چه موضوعات مشخص و تنظیم شده و با سناریو، چه موضوعات پراکنده و نامنظم. اما به هر حال، موضوعیت، محور فیلم و سینما است. هیچگاه از آن رهایی نمی‌تواند؛ حتی در بی‌ربط‌ترین حالت، موضوع محور است. زیرا قائم به فریم است و فریم در هر صورت (آنالوگ و دیجیتال و غیرآن)، کوچکترین ذره مستقل حاوی موضوع است که ماده تصویر و آن هم ماده فیلم و آن هم ماده سینما است. پس کوچکترین ذره فیلم (سینما)، دارای موضوع است و هر موضوع، خود پیام است که به وسیله تصویر، رسانده می‌شود. درواقع، فریم خود پیام است. موضوع و تصویر، یکی هستند. ماده، موضوع است و تصویر (فریم)، صورت آن است. همان‌طور که صورت، کمال ماده است، تصویر، کمال موضوع است. اما موضوع، بدون صورت (در سینما و تلویزیون)، امکان ندارد. اگر چنین باشد، سینما (و تلویزیون) منتفی است و چا برای رادیو باز می‌شود که در آن صورت هم، صدا جای تصویر را اشغال می‌کند! موضوع، ماده رادیو و صدا، صورت آن است. این ماده و صورت، رادیو و تلویزیون (و فیلم و سینما) را تحقق می‌بخشد! تلویزیون البته، کارکردی بسیار گسترده‌تر و مؤثرتر از سینما دارد! زیرا این جعبه جادو، خود را مانند سینما، منحصر به موضوع و داستانی محدود، محدود نمی‌کند و با آن می‌توان در بی‌شمار موضوعاتی مهم (اجتماعی، خانوادگی، خبری، تاریخی، شخصی، خانوادگی، آموزشی، فرهنگی، ورزشی، هنری، اقتصادی، سیاسی، ملی، آیینی، داخلی، خارجی، بین‌المللی و…) محتوا، تولید و ابلاغ کرد. رسانه‌ای که بقی سهم بزرگی در فرهنگ و گسترش آن و نیز تولید فرهنگ و

### هوش مصنوعی انسانیت و روح شما را می‌گیرد

آنها از هوش مصنوعی خواستند نمونه کارهای من از شخصیت‌های دینزی را خلق کند! نمی‌توانم احساسی را که به شما می‌دهد توصیف کنم. مرا یاد وقتی انداخت که می‌گویند؛ عکس من را بگیر چون روح شما را می‌گیرد. در این فیلم، هوش مصنوعی «السا» از انیمیشن «یخ‌زده» را با چهره‌ای سفید که لباسی مشکی پوشیده و در جنگلی که جن‌زده به نظر می‌رسید، تصویر کرده است. همچنین چهره «آرورا» از انیمیشن «زیبا خفته» را با چهره‌ای مشابه که روی گونه‌هایش بخیه دارد و با لباسی تیره، تصویر کرده است. برخی از خلاقیت‌ها «بسیار خوب» هستند، اما کاری که انجام می‌دهد این است که چیزی از روح شما می‌مکد. چیزی از روح یا روان شما می‌گیرد که بسیار ناراحت‌کننده است؛ مثل روایاتی است که انسانیت و روح شما را می‌گیرد.

بخشی از ترجمه گفته‌های این کارگردان سرشناس با مهر

### یادداشت

### موسیقی به مثابه رسانه (۱)

سبک زندگی مبتنی برآن، به عهده دارد و می‌تواند عادات، عقاید و آدابی مرسوم یا حتی بدیع و نوپناید، ایجاد و اشاعه کند؛ به‌طوری‌که بحق می‌تواند دانشگاهی عمومی هم همه زمینه‌های ملزم زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی باشد. رادیو هم، به شرح ایضا. هرچه راجع به تلویزیون قابل بیان و تصور باشد، راجع به رادیو هم مضمور و مبین است. با این تفاوت که بشر همیشه از چشم رضایت بیشتری نسبت به گوش دارد.

دیدن، رضایتمندی بیشتری ایجاد می‌کند و بشر در مقابل دیدن، متوقف، تسلیم و حتی مرعوب می‌شود. قدرت سحر و جادو هم از آن جهت غیرقابل انکار است که با متأثر کردن چشم و قوه بینایی، به توقف و تسلیم و نیت و رعب می‌انجامد. چشم، مرحله نهایی و پسین گوش است. هرچه می‌شنویم، برای آن است که انتظار دیدنش را می‌کشیم! زیرا شنیدن کی بود مانند دیدن. رادیو، مرحله مَقَدِّمی تلویزیون است. اصلاً اختراعش هم قبل از آن بوده است. در صورت شرایط مساوی، انتخاب تلویزیون برای عموم، اکثریت دارد! اما خلاف انتظار! اینکه با اختراع تلویزیون، رادیو منقرض نشد. زیرا در مواقع خاص بویژه مواقع عدم امکان استفاده از تلویزیون، رادیو محل توجه است و رفع توقع و تأمین رضایت می‌کند. زیرا مهم‌ترین وجه جذابیت هردو (رادیو و تلویزیون)، سرگرم‌کنندگی آنها است و فرهنگ و فرهنگ‌سازی، ضمن آن صورت می‌گیرد! هر قدر، برنامه‌ها سرگرم‌کننده‌تر، جذاب‌تر و هر قدر جذاب‌تر، سرگرم‌کننده‌تر! اینکه دُور شد! بله. ولی نه دُور باطل! بل، ملازمه‌ای غیر قابل فکا! اگر برنامه جذاب باشد، سرگرم‌کننده می‌شود و هر قدر سرگرم‌کننده باشد، جذاب است. اما در واقع علت سرگرم‌کنندگی، جذابیت است و برای آن، باید هزارنکته باریک‌تر ز موی را رعایت کرد! هزار (بلکه هزاران) نکته تخصصی و فُجْرَبْ، که به‌کار بستنشان امکان ایجاد جذابیت را پدید می‌آورد. یکی از أَهْیات جذابیت، کاربرد هنر در رسانه‌های صوتی و تصویری است. این رسانه‌ها، بدانه جذاب نیستند. بلکه شرایط و شروطی لازم است تا جذاب شوند. اما هنر، بدانه جذاب است. اصلاً بودنش، جذاب است. برای جذابیت، شرطی لازم ندارد. همین که هست، جذاب است. جذابیت، ذاتی هنر است. نمی‌توان از آن جداایش کرد. از آن جدا نمی‌شود. بگو پس چرا یک فیلم، یا تابلو یا قطعه موسیقی، مورد استقبال قرار نمی‌گیرد؟! نه اینکه جذاب نیست؟! به دو دلیل چنین می‌شود: ۱- یا هنر نیست! پس چیست؟ شبه هنر و یا ضد هنر. شبه هنر، یعنی به صورت هنر است ولی، در واقع هنر نیست. ضد هنر است. یعنی با ابزار و ادوات هنر، نمایان شده ولی در اصل هنر نبوده. بگو پس اینجا بحث محتوا و مضمون مطرح است. آری. اما مجالش، زمانی دیگر است. ۲- و یا هنر است ولی از حد فهم همگان برتر است و تنها مورد استقبال معدودی است!!!…»

### درنگ



**علی طالب‌لو** طلبه پژوهشگر

## نیت، فصل ممیز جدال خوب و جدال بد

یکی از زوایای اخلاقی مورد نُهی در تعالیم اسلامی، جدال کردن است.

جدال کردن با مراء کردن اشتراکاتی دارد لکن در سه خصوصیت نسبت به آن متفاوت است: یکی اینکه جدال کردن بحث و اشکال به وسیله کلام است نه ابزارهای دیگر.

فرق دوم نیز این است که جدال کردن نسبت به مسائل علمی یا مسائل اعتقادی و دینی است نه همه امور. ویژگی آخر نیز این است که در جدال کردن، فرد بدون توجه به اینکه آیا مخالفش سخنی گفته یا نه، به اعتقادات و نظرات علمی او اشکال می‌کند.

در منابع دینی ما به جدال احسن اشاره شده و از جدال به غیر آن نهی شده است. برای فهم تفاوت بین جدال نکوهش شده در دین و جدال احسن، سه جهت حائزاهمیت است: اول اینکه انگیزه و نیت جدال و اشکال کردن چیست، دوم اینکه کیفیت سخن گفتن به چه شکل است و سوم مواد و محتوایی که در بحث و اشکال استفاده می‌شود.

به همین جهت اگر نیت فرد در بحث و اشکالش نیت خدایی نباشد، سخنش مصداق جدال نکوهش شده در دین حساب می‌شود. همچنین اگر فردی در مباحثه‌اش خشن و توهین‌آمیز سخن بگوید و توجهی به اسلوب و نوع بیانش نداشته باشد، مرتکب جدال نکوهش شده در دین است. در دین اسلام سفارش شده که کیفیت سخن گفتن، با نرمی و مدارا صورت بگیرد نه با خشونت.

جدالی که با هوشمندی و بر مبنای حق باشد نه مبتنی بر انگیزه باطل و یا بی‌عفتی، جزو مأموریت‌های انبیا حساب می‌شود. خداوند می‌فرماید: اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِلِأْتِي هِي أَحْسَنُ لِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ حَمَلَ عَن سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ[۱] ای پیامبر مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث و مجادله بپرداز، یقیناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده‌اند و نیز به راه یافتگان داناتر است.

براین نوع جدال احسن، آثار مهمی مرتب است از جمله نرم شدن قلب در برابر پذیرش حق. خداوند می‌فرماید: وَ لَا تَسْتَوِيَ الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ اذْفَعْ بِأَلْتِي هِي أَحْسَنُ فِإذَا اذَى بِيْنِكَ وَ بِيْنَهُ عِدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ[۲] نتیجه دفع و بحث خوب این است که دشمنان نسبت به شما خنودند و دوست مؤمنان خواهند شد.

لکن رعایت نکردن این مسأله و پرداختن به جدال زشت، باعث مضرتی است؛ از جمله به شک افتادن شنوندگان، لرزیدن اعتقاد، ایجاد بدعت در دین، نفاق، کینه‌توزی و تأثیرگذاری معکوس.

لذا اگر انسان توانایی و تشخیص مناسب در بحث کردن و جدال احسن را ندارد، بهتر است که از هرگونه مجادله بپرهیزد.

[۱]- سوره نحل، آیه ۱۲۵.

[۲]- سوره فصلت، آیه ۳۴.



جز به دست و دل محمد نیست حل و عقد خزانه اسرار چون دلت پر ز نور احمد بود به یقین دان که ایمنی از تار

سنایی



عکس:مهر